

تحقیقی در

ساختار، نظم و مفردات آیه بسمله

دکتر ابوالفضل خوش منش^۱



(از ص ۲۹ - ۳۳)

تاریخ دریافت: ۱۳۸۶/۱۰/۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۷/۱/۲۰

چکیده

این نوشتار بر آن است تا نگاهی به نخستین آیه قرآن کریم و خصوصیات آن بیافکند. مقاله، ساختار سه‌گانه نام‌های بسمله و ماندگی‌هایی را مد توجه قرار می‌دهد که از حیث ساختار و نحوه استعمال و تا حدی لفظ و مفهوم، بین سه نام الهی مذکور و آیین‌های دیگر وجود دارد. دو نام پایانی این آیه: رحمن و رحیم نیز در عین اشتقاق از ریشه‌ای واحد، دارای تفاوت‌هایی متعدد و بسیار دقیقند که با تدبر در آیات قرآن، این تفاوت‌ها را می‌توان دید. در این سخن، از مفاد آیات قرآن کریم جهت شناسایی بیشتر بسمله و مفهوم آن و نیز اطلاعات بین دینی، تاریخی و بین‌زبانی به شکل تطبیقی بهره گرفته شده است.

کلید واژه‌ها: بسمله، آغاز قرآن، نام‌های خدا، اسماء الله، اسماء ثلاثه، رحمن، رحیم.

مقدمه

بسمله نخستین و پربسامدترین آیه قرآن کریم و آیه‌ای است که از آغاز دل و زبان هر مسلمانی را به نحوی به خود معطوف داشته است. در باره مفردات این آیه تاکنون به طور طبیعی سخن فراوان گفته شده و تقریباً نمی‌توان هیچ تفسیری را یافت که نخست به شرح و توضیح بسمله نپرداخته باشد. به نظر می‌رسد با وجود همه بررسی‌های انجام شده، هنوز جای تحقیق در باره هر یک از ساختار و نظم و مفردات و نیز دیگر خصوصیات این آیه باقی باشد. این نوشتار بدون انگیزه تکرار مکرر، سرفاکندن نگاهی به این آیه دارد. از همین روست که از میان مفردات این سوره، چهار اسم مذکور در سوره آن هم به نحو مذکور مورد شرح قرار گرفته‌اند و در باره بای جاره آغازین به شکلی گذرا سخنی آمده و پس از آوردن کلامی جامع دو قول اصلی، به مأخذی ارجاع داده شده است، زیرا نگارنده چیزی افزون بر آن که در آغاز هر کتاب تفسیری در این باب به چشم می‌خورد، برای گفتن نداشته است. همچنین درباره شروع لغوی دو نام رحمن و رحیم نیز دامنه سخن از طریق نقل آن چه در کتب تفاسیر آمده گسترانیده نشده، در عوض ثقل سخن بر بررسی تفاوت‌های موجود در نحوه استعمال این دو نام نهاده شده است، در عین حالی که این مقایسه، خود متناسب با مجال خود، تبیین‌کننده معنی قرآنی هر یک از این دو نام از اسمای حسنای الهی است.

بیان مسأله

عمده مسائلی که این نوشتار پیش رو دارد این است که آیا بسمله در ساختار و ترکیب و نیز نحوه استعمال در قرآن کریم نظمی خاص را در بر دارد؟ مفهوم آغاز با نام خداوند متعال در سور قرآن کریم چگونه و دارای چه جایگاهی است؟ واژگان سه گانه الله و رحمن و رحیم با یکدیگر و نیز با دیگر اسمای حسنی در قرآن چه ارتباطی دارند و در عین حال، دو نام رحمن و رحیم با یکدیگر دارای چه تفاوت‌هایی هستند. آیا نام الله ارتباطی با دیگر نام‌های خداوند در قرآن و نیز با واژه‌های دیگر زبان‌ها دارد و در این صورت، قدر جامع و مفهوم مشترک میان آنها چه خواهد بود؟ و چگونه می‌توان بین اقوال مختلف در این زمینه و میان مفردات این آیه و ریشه‌های عربی و غیر عربی ارتباط برقرار کرد و دیگر این که آیا ارتباطی میان ریشه‌های موجود در زبان‌های دیگر با برخی مفردات بسمله وجود دارد؟

بسمله در قرآن

سوره حمد، ام الكتاب و فاتحة الكتاب نام گرفته است. این سوره دروازه و آغازگر قرآن است و آیه ای که خود آغازگر این آغاز است آیه «بسم الله الرحمن الرحيم» است. آیه ای که در سخن امام باقر (ع)، کریم ترین آیه و در کلام امام صادق (ع) تاج سور قرآن و در سخن امام علی بن موسی الرضا (ع) عظیم ترین آیه قرآن کریم نامیده شده است (مجلسی، ۲۳۶/۹۲؛ بحرانی، ۴۲/۱).

ساختار آیه

این آیه در اصل از یک جارّ و مجرور تشکیل شده و هیچ گونه فعل یا مبتدا و خبری در میان الفاظ آن وجود ندارد و فعل آن به صورت مختلف در تقدیر گرفته می شود. اسمای به کار رفته در این آیه جمعاً معادل چهار اسم اند که سه اسم از اسمای به کار رفته در آن از اسمای حسناى الهی هستند و یک گروه سه تایی اسمی را تشکیل می دهند. در این اسمای ثلاثه کفایتی نسبت به سایر اسماست که عکس آن وجود ندارد (صادقی، ۸۱/۱). عدد سه از جمله اعداد مورد نظر خاص و نزد برخی ملل، نماینده تمام و صلاح و کمال است. در قرآن کریم لفظ سه و سوم، بیست و سه بار در خصوص احکام و واجبات شرعی، مستحبات، سنن، وقایع امم پیشین و عقاید آن ها و موارد دیگر به کار رفته است. در روایات نیز، مفاهیم و احادیثی مبتنی بر عدد سه را فراوان توان یافت. این عدد همانند بسیاری دیگر از نمادها و نشانه های دینی در ابتدا اصل درستی بوده است اما بعدها همانند «تثلیث» مسیحیت دستخوش تحریف معنوی واقع شده است.^۱

قرآن کریم به مدد آیه بسمله، با سه اسم از اسمای حسناى الهی آغاز می گردد. ساختار سه تایی

۱- همانند تثلیث یا ظهور سه گانه واقعیت مطلق در آیین هندو و نظام سه گانه خدایان و امشاسپندان در ادیان هند و ایرانی یا هند و اورپایی و نیز طبقه سه گانه خدایان هند و اروپایی؛ مفهوم پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک در دین زرتشتی؛ تجلی های سه گانه در فلسفه هندو مشابه این موارد در اساطیر و عقاید کهن مصر و یونان و گروه خدایان سه گانه آنان، جایگاه ویژه سه در فلسفه و نجوم مصر و بابل، شمار اضلاع مثلث که نزد ریاضی دانان عهد باستان اولین شکل هندسی کامل محسوب می شد، واقعیت سه گانه و مقوله مراتب هستی و درجات آفرینش در آیین کهن تاوئی Tao چین، ماهیت سه گانه مظاهر سه گانه ذهنی و مراتب سه گانه علم و معرفت در مکاتب فلسفی بودا، سه صورت درآویانایا در آیین چین، سه بت عرب که نام آن ها در آیات ۱۹ و ۲۰ سوره نجم آمده است، سه گفتار خداوند و جایگاه آن ها در سفر پیدایش، (رک: اوپانشاد، ۵۰۷۲ الف؛ محمد احمد، ۲۷؛ دانتزیگ، ۴۹ و ۵۰؛ روزنبرگ، ۳۳ و ۲۲؛ مذیاس بل ۱۱)، دربرخی از آیین ها، تثلیث عبارت از سه اعتبار است نه سه وجود مستقل و منفصل، و گاه با دیدگاه هایی متفاوت در رویکرد به هر یک از مظاهر مطرح شده و دعوت به اصلاح و بازنگری در نگرش ها و اعتقادات مربوط به تثلیث. در نظر گروهی از دانشمندان و بزرگان مسیحیت امروز، هر تفسیری از ذات خدا که یگانگی و وحدانیت او را مخدوش کند محکوم به ضلالت و بطلان است (رک: کریشنان، ۲۹۵-۲۹۶؛ مولند، ۳۱-۳۶؛ دانتزیگ، ۶۰؛ ویلکن، ۸۹؛ میشل، ۷۲-۷۹).

اسمای حسنی علاوه بر آن چه در آیه نخستین دیده می‌شود، در پایان قرآن کریم نیز محفوظ است و قرآن با سه اسم از اسمای حسنی او پایان می‌پذیرد: «رب»، «ملک»، «اله» در سه آیه متوالی در آغاز سوره پایانی قرآن. از این رو بسمله آغازی است که با پایان نیز هماهنگ است؛ در آغاز، ترتیب اسم‌ها: الله و رحمن و رحیم است؛ یا مفاهیم الوهیت، رحمانیت و رحیمیت و در پایان نیز به ترتیب: مفاهیم ربوبیت، ملکیت و الوهیت؛ باز می‌توان گفت: آغاز سخن قرآن با الوهیت است و خاتمه آن نیز با همان الوهیت است (رک: اسدآبادی، ۱۲-۱۴).

نظم به کار رفته در لحن آیه نیز متناسب با محتوای آن است. این آیه آغازین درباره رحمت الهی - اعم از رحمت رحمانی و رحیمی است و در آن حروف ملایم بیش از همه به چشم می‌خورد و هیچ‌گونه خشونت‌تی در الفاظ به گوش نمی‌رسد. حروف مورد نظر عبارت است از: ح، م، ر، ع، ل، ن. این حروف در آواشناسی امروز، حروف بین‌شدت و رخوت نامیده می‌شود.

مفردات آیه

اسم

در باره ریشه اسم، دو قول عمده وجود دارد:

۱. اشتقاق از ریشه سمو، چنان‌که جمع آن اسماء است. از مشتقات آن در قرآن، واژه‌های سمی و نیز افعال گرفته شده از باب تسمیه است، نظیر: «یا زکریا إنا نبشركَ بِغُلامٍ اسمُهُ یحیی لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِیاً» (مریم، ۷)

«... وَ إِنِّی سَمَّیْتُهَا مَرْیَمَ» (آل عمران، ۶۳)

ریشه «سمو» به معنی بلندی است و سماء به معنی جانب بلند و بالا نیز مأخوذ از همین ریشه است (رک: طریحی، ۲/۸۸۸).

اشتقاق از ریشه وسم به معنی نشانه‌گذاری. زبیدی (۳۵۰/۸ و ۱۸۳/۰۱)، این رأی را به نقل از لغویان کوفه آورده که اصل اسم از وسم به معنی علامت است، شیخ طوسی نیز این رأی را در تبیان به نقل از دیگران و بدون گرایش به آن آورده است. وی همچنین این جمله را به نقل از ازهری آورده که: الاسم وسم وسمة توضع علی الشئ یعرف به. فعل «وسمت الشئ» به معنی

علامت گذاشتن چیزی است، و استعمال آن در علامت گذاری یکی از بیشترین موارد استعمال است. موسم حج، موعدی است که همانند نشانه و نمایه ای، مردمان را در مکان و زمانی واحد گرد می آورد. در عربی گویند: فلان موسم بالخیر، ای معروف بالخیر (رک: طوسی، ۱/۲۷).

جمع بندی و گزینش قول مختار

در این باره باید گفت که بین این اقوال در نهایت با توجه به داده های زبان شناسی تنافر و تباین کلی وجود ندارد. قلب حروف در ریشه واژه ها در عربی و در زبان قرآن نظیر زبان های دیگر نیز وجود دارد و در این باره می توان نمونه های فراوان یافت، از جمله در عربی: لخص، خلص؛ مدح، حمد؛ دعم، عمد؛ بغض، غضب؛ شتم، شمت و نمونه های دیگر. بر اثر جابجایی ترتیب حروف به طور طبیعی تغییراتی محدود در معانی واژگان جدید پیش می آید که طبیعی است. صبحی صالح در کتاب دراسات فی فقه اللغة (۱۸۶-۱۸۸) بابت اشتقاق اختصاص داده و در آن سخنان ائمه لغت و اشتقاق عربی همچون خلیل بن احمد و ابوعلی فارسی را نقل کرده است. وی ریشه (س م ل) را به عنوان مثال ذکر کرده و اشتقاقی را که ابن جنی از آن در قالب ریشه هایی چون: (س م ل) (م س ل) (س ل م) (م ل س) (ل س م) (ل م س) با مد نظر قرار دادن معنی جامع آن بررسی نموده، مورد توجه قرار داده است. وی سپس به وقوع ابدال در حروف نیز پرداخته، به عنوان مثال، انتقال ابن جنی از (ل س م) به (ن س م) را نیز نقل می کند. چنین است که در مورد سمو، علاوه بر موسم، ریشه هایی دیگر نیز نزدیک به این دور ریشه وجود دارند که یکی از آن ها عبارت از ریشه (س و م) همچنان در برگیرنده مفهوم اثر و نشانه گذاری است و واژگانی از آن در قرآن کریم نیز آمده است: «تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ» (البقرة، ۲۷۳).

همچنین قریب به این ریشه است ریشه (وش م) به معنی خال کوبی و نشانه و اثری که از سوزن در بدن می ماند، و نیز ریشه (و ص م) به معنی عیب داشتن در حسب و اعتبار و آبرو، معادل لکه و انگ در زبان فارسی در شخصیت کسی است. (رک: طریحی، ۲/۹۱۰-۹۱۱ و ۳/۱۹۳۹؛ ابن منظور ۱۵/۳۲۰). sema و semeion در زبان یونانی به معنی نشانه و علامت اند و آن قابل تطبیق با symye سریانی است. semiologie نیز که در فارسی امروز به معنی نشانه شناسی

استعمال می‌شود، مأخوذ از همین ریشه است. (رک. مشکور، ۴۲۴/۱؛ بوگمارتنر، ۷۲۶) در این میان روایتی که حسن بن فضال از امام رضا (ع) آورده قابل توجه است، از این نظر که ریشه‌ی اسم ناظر به اصل «وسم» به جای «سمو» می‌باشد: سألت الرضا (ع) عن بسم الله، قال معنى قول القائل بسم الله أى أَسِم نفسي بسمه من سمات الله عزّ وجلّ وهو العبودية، قال: فقلت له: ما السمة؟ قال العلامة (مجلسی، ۱۳۹۸/۹۲). به موجب این روایت، بنده با به زبان آوردن بسم الله، چنین نیت می‌کند که بر خویشتن علامت خدایی و خداگونگی می‌نهم. بدین ترتیب، جمع بین دو قول، از رد یکی از آن‌ها ارجح است و حافظ ظرافت‌های معنایی و جمع‌کننده معانی بیشتر خواهد بود. آری، ریشه اسم، همان ریشه معروف «سمو» است که قرآن نیز تأیید کننده آن است و در نهایت، هنگام اختیار یک قول نیز باید همین ریشه را ترجیح داد.

الله

لفظ جلاله و مستجمع؛ نام‌های الهی در قرآن، گاه به صورت تک اسم، گاه به شکل یک جفت اسم همراه اسمی دیگر، و گاه سه تایی و چهارتایی (الجمعة، ۱) و یک بار نیز در قالب گروهی هشت تایی بدون فاصل (الحشر، ۲۳) آمده‌اند. شمار مجموع اسماء در سه آیه پایانی سوره حشر برابر ۲۱ اسم است.

سه آیه پایانی حشر همگی با هوالله آغاز می‌شود و پس از این نام جامع جلاله است که هر اسمی دیگر می‌آید و این نام است که همواره با نام‌های دیگر وصف می‌شود (ابن کثیر، ۲۰/۱). به علاوه، آیه آغازین (آیه ۲۲) با لفظ جلاله آغاز می‌گردد و با الرحمن و الرحیم پایان می‌پذیرد و بسط و تفصیلی از اسمای ثلاثه آغازین در بسمله است.

نام الله در بین امم پیشین

بنا بر روایت و تصویری که قرآن کریم از بشر ارائه می‌کند که همه اسماء را به تعلیم الهی فراگرفته، این نام باید اولین نامی باشد که وی با آن از روز نخست آفرینش آشنا می‌شود. قرآن کریم نام الله را از زبان فرزند مقتول آدم نقل می‌کند: «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» (المائدة، ۲۷).

حضرت نوح (ع) قوم خود را به الله و یگانه پرستی دعوت می‌کند. قوم وی از یک سو همدیگر

را به بقا و پایداری بر پرستش آلهه خود سفارش می‌کنند:

«وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ آلِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ وَدًّا وَلَا سُوَاعًا وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْرًا» (نوح، ۲۳)

و از سوی دیگر با نوح بر سر نام خدا محاجه می‌کنند و حتی از این که نوح به زعم آنان بر خدا دروغ بسته اظهار غیرت و حمیت می‌کنند.

تصریح به نام الله از سوی کافران در داستان نوح (المؤمنون، ۲۴) قابل توجه و نشانگر وجود این نام علم از آغاز امر شریعت و دعوت فراگیر نوح است:

«فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا هَذَا إِلَّا بَشْرٌ مِثْلَكُم يَرِيدُ أَنْ يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً مَّا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأُولَىٰ» (المؤمنون، ۲۳ و ۲۴).

«إِنَّ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا وَمَا نَحْنُ لَهُ بِمُؤْمِنِينَ» (المؤمنون، ۸۳).

همچنین در قرآن کریم تصریح به تکذیب اصل وجود خداوند از سوی قوم لوط و اصحاب مدین، ایکه و نیز عاد و ثمود به چشم نمی‌خورد. به عنوان مثال، در آیات (۸۴-۹۲) سوره هود، دعوت و احتجاج حضرت شعیب با قوم وی آمده است. وی در این آیات ۱۴ بار از خداوند با اسامی مختلف و نیز ضمایر سخن می‌گوید. اما یک بار نیز تکذیبی از قوم وی نسبت به اصل وجود خدا نیامده است و یا پیامبری چون لوط برای حفظ حرمت مهمانان خود با ترکیب «اتقوا الله» (هود، ۷۸؛ الحجر، ۶۹) از آنان می‌خواهد خدا را در نظر بگیرند.

نامی همانند الله به طور طبیعی نمی‌تواند برای بشر ناشناخته بوده باشد. از این رو این قول که نام الله، علم ارتجالی است، قوی می‌نماید (رک: جفری، ۱۲۵). اما در عین حال علم و شناخته بودن یک نام منافاتی با مشتق بودن آن در طول تاریخ هر چند دراز دامن و بین زبانی خود ندارد. مقدسی، در باره ریشه لفظ جلاله پنج قول ذکر کرده و در باره آن‌ها به بحث تفصیلی پرداخته است (ص ۶۴۵). از مباحث مفصل و گاه پیچیده‌ای که میان لغویان و مفسران در باره تعیین ریشه الله و نحوه دلالت اسم بر او درگرفته، سخن مؤلف تفسیر پرتوی از قرآن را ایجاز و در عین حال وضوح و سهولتی است قابل توجه: فعل آله بمعنای عبد، تحیر، تصریح و سکن، آمده؛ إله نام معبود است چه حق و چه باطل - الله - با حذف همزه و اضافه الف و لام - نام همان معبود بحق است و الله نام جامع صفات خداوندی است (طالقانی، ۱/۲۴). این نام دارای

مشتقات فراون در زبان‌های مختلف سامی نظیر عبری، آرامی، سریانی، و نیز سبایی است و بدون تردید ریشه آن به دین‌های کهن باز می‌گردد. سابقه پرستش الله در میان اقوام سامی (بابلیان، عبرانیان، نبطیان و عربان مناطق مختلف عربستان) بسیار زیاد بوده و این نام برای آنان به ویژه در دو سه قرن پیش از اسلام، در عربستان مرکزی شناخته شده بوده است و حتی نام برخی اشخاص نظیر پدر رسول اکرم (ص) نیز عبدالله بوده است. بیشتر عربان علاوه بر خدایان متعدد، به وجود خدایی مقتدر در آسمان‌ها که خالق انسان است یعنی خدای اعلی، عقیده داشتند. پیش از آنان، این بابلیان بودند که او را «ال»^۱ می‌خواندند و می‌شناختند. نبطیان که گروهی از اعراب قدیم شمالی بودند و در صحرای سینا زندگی می‌کردند، الله را به نام هلا^۲ می‌خواندند و این همان الله و صورت اختصاصی کلمه اله بود. هرودوت می‌گوید نبطیان خدایی را به نام «آلیلاه» می‌پرستیده‌اند. اله در عبری علاوه بر אלה، به شکل Elohi Éloah و Élohîm نیز آمده است. واژه اخیر که در واقع اسم عام خداوند و یکی از نام‌های او در زبان‌های سامی است، ۲۵۷۰ بار در تورات عبرانیان آمده و گاه نحوه استعمال آن در پاره‌ای مواضع تورات، مشعر به رجحان استعمال آن از سوی خواننده تورات به جای Yahvé است. معروف است که این اسم، در واقع دارای مفهوم جمع است [گویا به سان اسمی جامع]، و از همین رو به عقیده پدران کلیسایی، این اولین اشاره به مفهوم ثلاث مقدس است. در ترجمه‌های عربی عهدین که از سوی مسیحیان انتشار یافته نیز الله معادل خدا استعمال می‌شود (رک: کتاب مقدس (عربی)، ۷۰؛ استرانگ، ۱۲). این واژه در زبان آرامی به صورت Eloï آمده و خود از Elias و Elihaj مشتق گردیده و در زبان اکادی نیز به صورت Allatu، به معنی الهه قدیم عرب آمده که احتمال دارد از همان طریق ریشه اله با و اماواژه‌های آرامی 'Iht' و نبطی 'Iht' هر دو به معنی الهه و در نهایت با همان لات مرتبط باشد که یکی از الهه‌های سه گانه عرب و تمثال فرشتگانی بوده که به زعم آنان دختران خداوند سبحان بوده‌اند (رک: مرکاتانت، 161/IV؛ طباطبایی، ۳۸/۱۹؛ مشکور، ۳۲/۱-۳۳؛ جفری، ۱۲۵؛ واعظ زاده خراسانی، ۲/۶۲۷-۶۲۹ و ۶۳۵). قرطبی برگرفتن اسم لات از لفظ الله را از برخی مفسران نقل می‌کند (قرطبی، ۱۰/۱۷). گروهی از عربان دارای مسلک و مأبی روشنفکرگونه، که از شرک و بت پرستی بیزار و خسته شده بودند، به مدد آن چه از ابراهیم خلیل

در یادها بود، دارای عقایدی مترقی و متکامل تر بودند. آنان نوعی آداب و سنن دینی انجام می دادند که رنگ و بوی توحید و پرستش الله داشت. ظهور ایشان نزدیک به زمان ظهور دین اسلام است (کلبی، ۳۹).

وجه مشترک میان ریشه های ذکر شده

قدر جامع و مفهوم قابل انتزاع از این اشتقاقات، پیوند و عهد و ارتباط است؛ ریشه این لفظ در زبان عربی و دیگر زبان های سامی به معنی ولایت و عهد و نزدیکی است. پیوندی که خدا با بندگان خود دارد و در سراسر قرآن کریم از برقراری آن سخن می گوید و ادیان و قوانین و شرایع برای آن آمده اند. استعمال قرآنی مفاهیمی چون "عهد"، "وصل"، "وفاء"، "میثاق"، "میعاد"، "میقات"، "ولی"، "ولایت"، "مولی"، "حشر"، "جمع"، "رجوع"، و الفاظ و مفاهیم متعدد دیگر که بارها در قرآن کریم آمده و اغلب در سیاق آیات و سوره مرتبط با اهل کتاب اند - و نامیده شدن دو کتاب عمده آسمانی پیشین به عهدین^۱ نمونه ای از این باب وسیع محسوب می شود. (رک: کتاب مقدس، ۷۰؛ گواهی، ۴۴؛ محمدیان، ۶۵۵-۶۸۰؛ هاکس، ۹۳-۱۰۰؛ حسینی، ۱۶۲-۱۶۶؛ مصطفوی، ۱۰۶/۱؛ بره پولس، ۲۷۶؛ استرانگ، ۱۲).

رحمن و رحیم

این دو نام غالباً در کنار یکدیگر آمده اند. دو نام مشتق از ریشه رحم، مفید معانی ای همانند مهر و عطوفت در فارسی؛ مهر و عطوفتی نه از سر رقت قلب و دیگرگونی احساسات بلکه مهری که تنها در خور او و عین حکمت و خیره و بصیرت اوست.

این دو نام هر دو از ریشه ای واحد (رح م) اخذ شده اند، نظیر نذمان و ندیم (ابن قتیبه، ۱۲) از نقطه نظر کاربرد در قرآن کریم با هم دارای تفاوت هایی معنی دار هستند:

۱- واژه رحمن در قرآن کریم همیشه بر واژه رحیم مقدم است. از جمله دلایل چنین حالتی این است که رحمن به منزله اسمی علم است که جز خدای تعالی بدان وصف نمی گردد و تقدم آن بر صفتش لازم می آید (طوسی، ۲۹/۱).

۱- برای نام های مختلف ترکیب شده با مشتقات نام الهی در زبان عبری و ادبیات کتاب مقدس و نیز شرح دلالات این نام ها: رک:

- ۲- رحمن هیچ گاه بدون الف و لام نیامده است اما در رحیم چنین قیدی وجود ندارد.
- ۳- رحمن یا تنها به کار رفته یا در صورت ترکیب، تنها با واژه رحیم ترکیب شده است که کل موارد ترکیب آن ۷ مورد از مجموع ۵۷ مورد استعمال آن در قرآن است. به عنوان مثال در قرآن کریم عبارتی همچون «ان الله بکم لرءوف رحمن» وارد نشده است. اما رحیم با اسمایی همانند تواب، رؤوف، غفور و عزیز در قرآن تشکیل زوج اسمی داده است (رک: ژومیه، ۲۳).
- ۴- رحمن، حالت اسم غیر منصرف را دارد و تنوین نمی‌گیرد؛ هر چند شروط اصطلاحی منع صرف را در خود جمع نکرده باشد.
- ۵- رحمن به دلیل انحصار در اطلاق بر پروردگار، فاقد جمع و مثنی و مؤنث است اما جمع رحیم به صورت رحماء در قرآن آمده آن هم بر پیروان رسول اسلام (ص) اطلاق شده است (الفتح، ۲۹) و رحیم در عربی به صورت مثنی و مؤنث نیز می‌تواند بیاید.
- ۶- کاربرد وزن فعالان در آیات قرآنی مبالغه‌ای را نشان می‌دهد که در وزن فعلیل دیده نمی‌شود، مبالغه‌ای که خاص پروردگار متعال است. شمار زیادی از مفسران به این موضوع تصریح کرده‌اند (مثلاً رک: ابن کثیر، ۲۲؛ طبرسی، ۶/۱؛ طوسی ۲۷/۱). صیغه رحمن با صیغه‌ای همانند غضبان، قابل مقایسه است. همان گونه که غضبان به مفهوم سرشار از غضب است، رحمن نیز به معنی سرشار از رحمت و تداعی کننده همان مفهوم «و رحمتی وسعت کل شیء» (الأعراف، ۱۵۶) می‌باشد (مقدسی، ۶۶۵).
- ۷- رحمن در قرآن کریم تنها بر خداوند متعال اطلاق شده است و یک اسم علم است و نامیدن کسی به این نام، شایسته نمی‌باشد. رحمن در مواردی به صورت وصفی آن هم تنها بر خداوند متعال اطلاق شده است. نظیر آیه: «وَرَبُّنَا الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ» (الأنبیاء، ۱۲۱) و صفت غیر خدا (ابن اثیر، ۲۰/۲) و موصوف نیز واقع نمی‌شود. اما رحیم گاه به صورت وصفی بر رسول گرامی اسلام نیز اطلاق گردیده است: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ» (التوبة، ۱۲۸).
- ۸- ذکر نام رحمن، گاه حساسیت‌هایی در میان مخاطبان غیر مسلمان برانگیخته که در قرآن منعکس شده است. در یک مورد آن (پایان سوره اسراء) رحمن معادل لفظ الله ذکر گردیده و

با اسلوب تسویه از پرستش آن با مخاطبان قرآن کریم از جمله مشرکان عرب سخن گفته شده است: «قُلْ اِذْعُوا لِلّٰهِ اَوْ اِذْعُوا الرَّحْمٰنِ اَيُّمَا مَا تَدْعُوْنَ فَلِلّٰهِ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰى» (الإسراء، ۱۰۱) در مورد دیگر به نحو مستقل، متعلق سجده و مفعول له آن قرار گرفته است: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اسْجُدُوا لِلرَّحْمٰنِ قَالُوا وَمَا الرَّحْمٰنُ أَنَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَزَادَهُمْ نُفُورًا» (الفرقان، ۶۰). این تسویه را در این سخن رسول گرامی اسلام نیز توان دید که فرمودند: «أحبّ الاسماء الى الله عبدالله أو عبدالرحمن. مشرکان مکه، خدا را خالق می دانسته، اما خدایان فرعی را شریک در ربوبیت قرار داده و آن‌ها را می پرستیدند. از سوی دیگر، رحمن - چنان که خواهد آمد - نام خدای یگانه در برخی مناطق عربستان دست کم در یمامه و یمن بوده و اهل مکه، رحمن را خدای اهل یمامه می دانسته‌اند و گویی اعتراف به آن را مغایر غرور و شتون قبیلگی خود می یافته‌اند و از سر تعجب و انکار می گفتند: این کسی که سخن از نبوت تازه می گوید ما را به پرستش خدای اهل یمامه می خواند. مشرکان در قضیه صلح حدیبیه هنگام درج «بسم الله الرحمن الرحيم» در صلح نامه به پیامبر (ص) گفتند: ما رحمن را نمی شناسیم (نویری، ۲/ ۲۰۵). آیات ۶۳-۷۵ سوره فرقان که وصف کننده سلوک بندگان تربیت یافته الهی است با ترکیب «و عباد الرحمن» آغاز می شود و این آغاز دارای تعریضی به همان مشرکان متکبر و امثال آنان است. همچنین در سوره زخرف، آن هم در مقام احتجاج با مشرکان عرب و در سیاقی که اشاره به امم پیشین و موضوع خداپرستی و یگانه گرایی آنان دارد، همچنان نام رحمن به جای الله نهشته است (وَاسْأَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا أَجَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمٰنِ آلِهَةً يُعْبَدُونَ (الزخرف، ۴۵). مسیلمه کذاب این نام را به گزاف بر خویش نهاد و برخی اعوان و مجبرگویان مسیلمه، وی را در سخنان و گاه نیز در شعر خود رحمان الیمامة و رحمان خواندند. نظیر این بیت که در آن هم استعمال ریشه سمو و هم نام رحمن محل توجه این مقاله است:

سموت بالمجد یابن الاکرمین أباً و أنت غیثُ الوری لازلت رحمانا

روشن است که چنین چیزی جز از باب خیره سری آنان در کفر و انکار اسلام و رسول اکرم (ص) نبوده است (زمخشری، ۶/۱). در خبری که از اشتهاری کم‌تر برخوردار است آمده که شخصی به نام اسود یمنی نیز به خیال رقابت با محمد (ص) این نام بر خود نهاد. (زمخشری،

همانجا؛ بلاذری، ۶۶/۱)

۹- رحیم در کاربردهای خود، هماره قرین معانی رأفت و رحمت صیرف است. اما رحمن گاه در سیاق هایی به کار رفته که دارای معانی قهاریت و جبّاریت پروردگارانند و نیز سیاق استعمال آنها در برگزیده تهدید شدیداند. به عنوان نمونه به این آیات سوره مریم می توان اشاره کرد: «قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا» (مریم، ۱۸).

«... يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا (مریم، ۵۴) ... ثُمَّ لَنْ نَرِيَ عَنْكَ مِنْ كُلِّ شَيْعَةٍ أَيْهَمُ أَشَدُّ عَلَى الرَّحْمَنِ عِتِيًّا. ثُمَّ لَنْ نَخُنَّ أَظْلَمُ بِالذِّينِ هُمْ أَوْلَىٰ بِهَا صِلِيًّا (مریم، ۹۶ و ۷۰) و نیز: «يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أُذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا (النبا، ۳۸).

۱۰- بنا بر گفته برخی مفسران، اسم شریف رحمن که حاکی از همه شئون رحمت است در مشهد برخی ارباب شهود، همانند نام مبارک الله از عظمتی خاص برخوردار است و جامع همه اسمای حسنی دیگر می باشد و به همین سبب در آغاز سوره رحمن، مبدأ تعلیم قرآن قرار گرفته است (جوادی آملی، ۱۷/۱). و نیز به همین دلیل رحمان در آیه ای همانند «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» (طه، ۵) به کار رفته است. این آیه به جهت شئون اداره جهان هستی باید در برگزیده رحمت در عین قاهریت و جبّاریت باشد. از همین روست که به عنوان مثال تعبیری همانند الرحیم علی العرش استوی در قرآن به کار نرفته است. نحوه کاربرد رحمن در سوره الرحمن به شرحی است که در ذیل می آید:

۱۱- رحمن نام یک سوره قرآن و به تنهایی تشکیل دهنده آیه ای مستقل است (الرحمن، ۱). این نام در پی دو نام ملوک مقتدر در سوره پیش از خود آمده است. این سوره با برشمردن رحمت و اسعه الهی در این دنیا و انواع نعمت ها آغاز می شود. همانند خلقت انسان و تعلیم بیان و آفرینش گیاهان مختلف در زمین و دریاها و گوهرهای دریایی و کشتی های روان بر آب. در همین سوره بارها به وقوع حوادث سخت و سهمگین قیامت و عذاب های گوناگون جهنم تصریح شده و سوره با ذکر نعمت های الهی و جلال و اکرام او پایان می پذیرد. در همین سوره آیات عذاب سهمگین الهی نیز جای گرفته اند و در نهایت این عذاب ها نیز جزء، نعمت های الهی شمرده می شوند (آیه ۴۲-۴۴). جمعی که میان رحمت های دنیوی و اخروی و نیز

نعمت‌های الهی در کنار عذاب و انتقام شدید وی در این سوره صورت گرفته، مؤید روایاتی است که خداوند متعال را رحمن در دنیا نسبت به همگان و رحیم نسبت به مؤمنان در آخرت شمرده است. مفاد این روایت از دیگر آیات قرآنی نیز قابل استخراج است. بنا بر روایتی از امام صادق (ع) رحمن اسم خاص به صفت عام و رحیم اسم عام به صفت خاص است: «الرحمن اسم خاص بصفة عامة والرحيم اسم عام بصفة خاصة» و یا این وصف که خداوند متعال: رحمن الدنيا ورحيم الآخرة است (رک: بحرانی، ۴۴؛ طبرسی، ۶/۱). این مضمون با این تعبیر قرآنی نیز تأیید می‌شود: «هُوَ الَّذِي يَصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا» (الأحزاب ۴۳). همان گونه که خداوند متعال، پیامبر اکرم (ص) را در بخش پایانی سوره انبیاء، رحمتی عام و رحمانی برای عموم عالمیان و در سوره توبه و اعراف او را رحمتی خاص برای اهل ایمان خوانده است:

«وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (الأنبياء، ۱۰۷)

«... وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ. الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ...» (الأعراف، ۱۵۶ و ۱۵۷)

«وَمِنَهُمُ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أذُنٌ قُلٌّ أذُنٌ خَيْرٌ لَّكُمْ يَوْمَئِذٍ بِاللَّهِ وَيَوْمَئِذٍ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (التوبة، ۶۱)

«لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ» (التوبة، ۱۲۸).

۱۲- نام رحمان در سراسر قرآن کریم گاه در سیاق آیات مرتبط با سرگذشت اهل کتاب به کار رفته است. از آن جمله است: سوره‌های مریم و طه. از جمله علل چنین حالتی، ذکر سرگذشت انبیای بنی اسرائیل در این دو سوره، و آشنا بودن نام رحمن دست کم در نظر گروهی از آنان است. چنان که هارون، هنگامی که بنی اسرائیل، گوساله پرست شدند به آنان چنین یادآوری کرد که: «ان ربکم الرحمن» (طه، ۹۰) (سوره مجاور مریم). از مجموع ۵۷ بار استعمال رحمن در قرآن، ۱۶ بار در سوره مریم است که خود، سوره شماره ۱۹ قرآن است. این میزان استعمال در

یک سوره ۹۸ آیه ای قابل توجه است و بس آمدی متراکم و قابل توجه را به نظر می‌رساند. به خصوص این که از این ۱۶ بار استعمال در سوره مریم، ۸ مورد تنها در بیست و یک آیه پایانی به کار رفته است. که این تراکم در سراسر قرآن کریم بی نظیر است و این نظریه که رحمن دارای ریشه ای عبری بوده و در قرن چهارم میلادی از سوی یهود و نصارای جنوب عربستان استعمال می‌شده است تائید می‌نماید (ریبین، ۱۵۳).

۱۳- خداوند در یمن، قریب چهار قرن پیش از اسلام در قرن دوم و سوم میلادی به وصف رحمن خوانده می‌شده و این واژه به معنای خدای نیک بوده است. نیک در این جا نقش صفت ندارد بلکه بخشی از تعبیری است که خدا به وسیله آن در بین دیگر تعبیر خوانده می‌شده است. تعبیر خدای نیک در حال حاضر نیز نزد مسیحیان به کار می‌رود. به عنوان مثال در زبان فرانسه ترکیب «Le Bon Dieu» که تعبیری عامیانه و عاطفی است کاربرد دارد. ترکیب Bon Dieu Le Diable et Le دقیقاً معادل ترکیب شیطان و رحمان است که در عربی و فارسی به صورت ترکیب وصفی و متضاد «شیطانی و رحمانی» به کار می‌رود. ترکیب فرانسوی مزبور خود در برگیرنده مفهوم خدای نیک است و به برخی زبان‌های دیگر، به ویژه زبان‌های آفریقایی متأثر از زبان فرانسه راه یافته است. در زبان انگلیسی نیز این ترکیب به صورت The good Lord وارد شده است (رک: رنه، ۲۵۱؛ ریبین، همانجا؛ ژومیه، ۳۶۱).

نتیجه

بسمله اصل و مفهوم آغاز با نام الهی را در قرآن کریم بنیاد نهاده و این امر در کتب آسمانی دیگر نیز به نحوی قابل مشاهده است. در این مقاله همچنین پیرامون ارتباط و نسبت لفظ جلاله الله با نام‌های دیگر الهی در این سوره و در قرآن کریم و نیز برخی زبان‌ها و ادیان دیگر کاوشی صورت گرفت و ارتباطات تاریخی و زبانی آنها تبیین گردید. ثمره یافتن این ارتباطات، ثبوت هر چه بیشتر اصالت توحید و یگانه‌گرایی و تقدّم زمانی و رتبی آن و نیز طفیلی بودن شرک و تأخر آن است. به علاوه به تبیین این موضوع پرداخته شد که دو نام الهی رحمن و رحیم در عین اشتقاق از ریشه ای واحد، دارای تفاوت‌هایی دقیق و حساب شده‌اند. نظم ریاضی موجود در بسمله

و ارتباط آن با دیگر مواضع قرآنی، محل توجه و دقت است. ثمره یافتن این ارتباط، ثبوت هر چه بیشتر اصالت توحید و یگانه گرایی و تقدّم زمانی و رتبی آن و نیز انگلی بودن شرک و تأخّر آن است.

در دهه‌های اخیر، نظریه‌ای از رشاد خلیفه منتشر شد و به تدریج با نقض‌هایی مواجه گردید. اما بخش‌هایی از این نظریه هنوز قابل بررسی و قبول است. در این تحقیق، از آن چه نقض نشده بهره‌ای گرفته شد. شکی نیست که با وجود همه بررسی‌های انجام شده، هنوز جای تحقیق در باره ابعاد و خصوصیات این آیه الهی وجود دارد. در این بررسی، هدف، بیان برخی یافته‌های ناگفته بود و از تکرار مکرر تا حد امکان اجتناب گردید.

● منابع

علاوه بر قرآن کریم؛

- ۱- ابن اثیر، النهاية فی غریب الحدیث و الأثر، قاهره، [بی تا].
- ۲- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، تفسیر غریب القرآن، بیروت، ۱۴۱۱ق.
- ۳- ابن کثیر، تفسیر، بیروت، ۱۴۱۲ق.
- ۴- ابن منظور، لسان العرب، بیروت، ۱۴۰۹ق.
- ۵- اسدآبادی، سید جمال الدین، رسائل فی الفلسفه و العرفان، به کوشش سید هادی خسروشاهی، ۱۳۷۵ش.
- ۶- اوستا، کهن‌ترین سرودهای ایرانیان، به کوشش جلیل دوستخواه، تهران، ۱۳۸۲.
- ۷- بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، [بی تا و بی جا].
- ۸- بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، درالکتب العلمیه، ۱۳۹۸ق، [بی جا].
- ۹- جفری، آرتور، واژگان دخیل در قرآن مجید، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، ۱۳۷۲ش.
- ۱۰- الکتاب المقدس، جمعیات الکتاب المقدس فی المشرق، بیروت، ۱۹۸۹م.
- ۱۱- جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن مجید، تهران، ۱۳۶۳ش.
- ۱۲- حسینی، محمد علی، علم اللغة التوحیدی، تهران، ۱۴۱۷ق.
- ۱۳- خمینی، مصطفی، تفسیر القرآن الکریم، [بی تا و بی جا].
- ۱۴- دانتزیگ، تویاس، میراث یونان، ترجمه عباس گرمان، تهران، ۱۳۵۶ش.
- ۱۵- روزنبرگ، دونا، اسطوره‌های یونان، ترجمه مجتبی عبدالله نژاد، مشهد، ۱۳۸۰ش.
- ۱۶- زبیدی، مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، [بی تا].
- ۱۷- زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف، قم، ۱۳۷۲ش.
- ۱۸- صادقی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة، بیروت، ۱۴۰۱ق.
- ۱۹- صالح، صبحی، دراسات فی فقه اللغة، [بی جا و بی تا].
- ۲۰- طالقانی، سید محمود، پرتوی از قرآن، تهران، ۱۳۶۰ش.
- ۲۱- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، [بی تا].

- ۲۲- طبرسی، جوامع الجامع، تهران، ۱۳۷۷.
- ۲۳- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، قم، ۱۴۱۴ق.
- ۲۴- طوسی، محمد، التبیان، بیروت، ۱۴۰۹ق.
- ۲۵- کتاب مقدس، انجمن پخش کتب مقدسه در میان ملل، [بی تا و بی جا].
- ۲۶- کریشنان، رادا، ادیان شرق و فکر غرب، تهران، ۱۳۶۲ش.
- ۲۷- کلی، الاصلام، ترجمه دکتر یوسف فضایی (جامعه شناسی دینی جاهلیت قبل از اسلام)، تهران، ۱۳۶۴ش.
- ۲۸- گواهی، عبدالرحیم، واژه نامه ادیان، تهران، ۱۳۷۴ش.
- ۲۹- مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، تهران، ۱۳۹۸ش.
- ۳۰- محمد احمد، عبد الفتاح، تفسیر اسطوره‌های در شعر جاهلی، ترجمه نجمه رجایی، مشهد، ۱۳۷۸ش.
- ۳۱- محمدیان، بهرام و دیگران (مترجم)، دائرةالمعارف کتاب مقدس، تهران، ۱۳۸۰ش.
- ۳۲- مشکور، محمد جواد، فرهنگ تطبیقی با زبان‌های سامی و ایرانی، تهران، ۱۳۵۷ش.
- ۳۳- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، ۱۳۶۰ش.
- ۳۴- مقدسی، شهاب الدین ابومحمد، البسملة، به کوشش عدنان بن عبدالرزاق الحموی، ابوظبی، ۱۴۲۵ق.
- ۳۵- مولند، ایثار، جهان مسیحیت، ترجمه محمد باقر انصاری و مسیح مهاجری، تهران، ۱۳۶۸ش.
- ۳۶- میشل، توماس، کلام مسیحی، ترجمه حسین توفیقی، قم، ۱۳۸۱ش.
- ۳۷- نوبری، شهاب الدین احمد، نه‌ایة الارب فی فنون الادب، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، ۱۳۶۵ش.
- ۳۸- واعظ زاده خراسانی، محمد و دیگران، المعجم فی فقه لغة القرآن و سر بلاغته، مشهد، ۱۳۷۸ش.
- ۳۹- ویلکن، رابرت، «خدای سه گانه در کتاب مقدس»، ترجمه الیاس عارف زاده، هفت آسمان، ش ۱۴، س ۴، قم، ۱۳۸۱ش.
- ۴۰- هاکس، جیمز، قاموس کتاب مقدس، تهران، ۱۳۷۷ش.

41. Baumgartner Emmanuèle; *Ménard Philippe Dictionnaire étymologique et historique de la langue française* Librairie générale française 1996.

42. Brepols/Verbum *Petit dictionnaire de la Bible* Espagne 1996.

Cuypers Michel *Structures rhétoriques de la sourate 74 (al-Muddaththir)* Luqman XIII. 2. printemps-été 1997.

43. D. Steinberg *Psycholinguistique language mind and world* Longman, London and New York sixth edition 1991.

44. De Sacy Samuel s. *Déscartes par lui-même Editions du seuil*, Paris 1965.

45. Jomier Jacque *Le nom divin al-Rahman dans le Coran mélanges Louis Massignon II*, Damascus 1957.

46. Médiaspaul Bible, *des communautés chrétiennes* Kinshasa-R.D.Congo 1995.

47. Mercatante Anthony, *Encyclopedia of World Mythology and Legend* "The Facts on File" ed.

48. Piatelli-Palmarini, *Théories de langage Théories de l'apprentissage Le débat entre Jean Piaget et Noam Chomsky* Organisé et recueilli par Piatelli-Palmarini. Centre Royaumont pour une science de l'Homme.

49. René Van Everbroeck *Dictionnaire lingala* éditions l'Epiphanie Kinshasa Zaïre.

50. Rippin Andrew Rahman and hanifs *Islamic studies presented to charles j. Adams*. Ed. By Wael B. Hallaq Donald Lieden 1991.

51. Strong James *Strong's comprehensive concordance of the Bible together with dictionaries of the Hebrew and greek words of the original*. World publishing Grand rapids Michigan USA.